

# قابوس نامه

کتاب ہندنامہ

امیر کبیر ملک جیلان سلطان امراء الخوراسان  
العالم الفاضل الحکیم عنصر المعالی کیکاوس بن اسکندر بن  
لأمیر الفاضل شمس المعالی قابوس بن وشمگیر مولی  
امیر المؤمنین رحمہم اللہ تعالیٰ



|                     |                                                                |
|---------------------|----------------------------------------------------------------|
| سرشناسه             | : عنصرالمعالی، کیکاوس بن اسکندر، قرن، ۵ ق.                     |
| عنوان قراردادی      | : قابوس نامه                                                   |
| عنوان و نام پدیدآور | : قابوس نامه: کتاب پندنامه امیرکبیر ... / تألیف عنصرالمعالی.   |
| مشخصات نشر          | : تهران: اقبال، ۱۳۹۱.                                          |
| مشخصات ظاهری        | : ۲۲۴ ص.                                                       |
| شابک                | : ۹۷۸-۹۶۴-۴۰۶-۳۳۳-۶                                            |
| وضعیت فهرست نویسی   | : فیبا                                                         |
| یادداشت             | : کتاب حاضر در سال های مختلف توسط ناشران متفاوت منتشر شده است. |
| موضوع               | : نثر فارسی - - قرن ۵ ق.                                       |
| رده بندی کنگره      | : الف ۱۳۹۱ ق ۴۶۶۷ PIR                                          |
| رده بندی دیویی      | : ۸۴۸/۸۲۲                                                      |
| شماره کتابشناسی ملی | : ۳۰۱۹-۵۳                                                      |

## چاپ و انتشارات اقبال

تهران - خیابان دکتر علی شریعتی (کدپستی ۱۶۱۳۹) تلفن: ۷۷۶۰۳۵۷۴  
تهران - خیابان جمهوری اسلامی (کدپستی ۱۱۴۶۷) تلفن: ۳۳۱۱۸۷۰۱



|             |                     |
|-------------|---------------------|
| نام کتاب    | : قابوس نامه        |
| تألیف       | : امیر عنصرالمعالی  |
| مقدمه       | : فرشید اقبال       |
| صفحات و قطع | : ۲۲۴ صفحه - وزیری  |
| چاپ         | : اقبال             |
| نوبت چاپ    | : اول - زمستان ۱۳۹۱ |
| تیراژ       | : ۵۰۰               |
| قیمت        | : ۱۲۰۰۰۰ ریال       |
| شابک        | : ۹۷۸-۹۶۴-۴۰۶-۳۳۳-۶ |

ISBN: 978-964-406-333-6

## هو الطيف

«النص عند الملاءة»  
«الدال على الفير كفاعله»

دو عبارت فوق از متن کتاب از جمنده قابوس نامه ذکر شده است که به نظر می‌آید منظور اصلی نویسنده است. عبارت نخست به معنی نصیحت کردن آشکار همانا سرزنش کردن است و عبارت بعدی به معنی کسی که به کار خیر راهنمایی کند مانند کسی است که خود آن را انجام دهد.

عنصرالمعالی کیکاووس بن اسکندر بن قابوس بن وشمگیر بن زیار از شاهزادگان آل زیار است.

وی به سال ۴۱۲ هجری قمری چشم به جهان گشود و در سال ۴۶۲ هجری قمری درگذشت.

او مردی پخته و نکته‌سنج بود و با ژرف‌بینی و خوش‌فکری بسیار کتابی برای راهنمایی و آموختن تجربیات خود به فرزندش گیلان‌شاه در چهل و چهار باب تألیف نمود.

نام کتاب به گفته نویسنده کتاب «نصیحت‌نامه» است اما در یکی از قدیمی‌ترین نسخه‌های موجود «پندنامه امیرکبیر گیلان» و در پایان نسخه‌ای دیگر «قابوس‌نامه» ذکر شده است. اما همواره این کتاب ارزشمند به نام قابوس‌نامه شهرت یافته است. برخی معتقدند در زمان نگارش این کتاب که می‌بایست سال ۴۵۷ هجری قمری باشد، امیر عنصرالمعالی فرمانروایی محدود به نواحی کوهستانی و در سایه حکومت سلجوقیان داشته است.

قابوس‌نامه نثری ساده دارد اما اصطلاحات و ترکیبات در آن بسیار است که در اوائل قرن پنجم هجری رایج بوده است.

مروری به کتاب قابوس‌نامه، وسعت دانش و بینش مؤلف را به اثبات می‌رساند و دقت در حکایت‌ها و نکات دقیق در هر باب، نشان از اشراف او به تمام مواردی که به‌رشته تحریر در آورده است، دارد.

نسخه حاضر حاصل سنجش نسخه‌های موجود بوده و از آوردن تفاوت‌های عبارتی و لغوی ثبت شده اجتناب، و به ثبت لغات و عبارات درست‌تر در متن بسنده شده است.

بسیاری از اصطلاحات درج شده در این کتاب تخصصی بوده و شرح برخی از آنها در پایان کتاب و ترجمه عبارت‌های عربی در حاشیه کتاب آورده شده است که راهگشای دوستداران و آثار مشهور فارس واقع گردد. باشد که مورد قبول افتد.

فرشید اقبال

زمستان ۹۱

## فهرست مندرجات

|    |                                                        |
|----|--------------------------------------------------------|
| ۱۵ | باب اول: در شناختن ایزد تعالی                          |
| ۱۷ | باب دوم: در آفرینش و ستایش پیغامبر علیه السلام         |
| ۲۰ | باب سوم: در سپاس داشتن از خداوند نعمت بر توان و ناگزیر |
| ۲۳ | باب چهارم: در فزونی طاعت از راه نوشتن                  |
| ۲۶ | باب پنجم: در شناختن حق پدر و مادر                      |
| ۲۹ | باب ششم: در فزونی گهر از فزونی خرد و هنر               |
| ۳۹ | باب هفتم: در پیشی جستن از سخن دانی                     |
| ۴۷ | باب هشتم: در یاد کردن پندهای نوشین روان                |
| ۵۱ | باب نهم: در پیری و جوانی                               |
| ۵۷ | باب دهم: در خویشتن داری و ترتیب خوردن و آیین آن        |
| ۵۹ | باب یازدهم: در آیین شراب خوردن                         |
| ۶۲ | باب دوازدهم: در مهمان کردن و مهمان شدن                 |
| ۶۷ | باب سیزدهم: اندر مزاح کردن و نرد و شطرنج باختن         |
| ۷۰ | باب چهاردهم: در عشق ورزیدن                             |
| ۷۵ | باب پانزدهم: اندر تمتع کردن                            |
| ۷۷ | باب شانزدهم: اندر گرمابه رفتن                          |
| ۷۹ | باب هفدهم: اندر خفتن و آسودن                           |
| ۸۲ | باب هجدهم: اندر نخجیر کردن                             |
| ۸۴ | باب نوزدهم: در چوگان زدن                               |
| ۸۵ | باب بیستم: اندر کارزار کردن                            |
| ۸۹ | باب بیست و یکم: در جمع کردن مال                        |

|     |                                                    |
|-----|----------------------------------------------------|
| ۹۳  | باب بیست و دوم: در امانت نگاه داشتن                |
| ۹۶  | باب بیست و سوم: در برده خریدن                      |
| ۱۰۳ | باب بیست و چهارم: در خریدن ضیاع و عقار             |
| ۱۰۵ | باب بیست و پنجم: اندر خریدن اسب                    |
| ۱۰۹ | باب بیست و ششم: اندر آیین زن خواستن                |
| ۱۱۱ | باب بیست و هفتم: در حق فرزند و حق شناختن           |
| ۱۱۷ | باب بیست و هشتم: در آیین دوست گرفتن                |
| ۱۲۱ | باب بیست و نهم: در اندیشه کردن از دشمن             |
| ۱۲۷ | باب سی ام: در عقوبت کردن و حاجت خواستن و روا کردن  |
| ۱۳۱ | باب سی و یکم: در طالب علمی و فقیهی و فقها          |
| ۱۳۸ | باب سی و دوم: در بازرگانی کردن                     |
| ۱۴۵ | باب سی و سوم: اندر ترتیب علم طب                    |
| ۱۵۲ | باب سی و چهارم: در علم نجوم                        |
| ۱۵۵ | باب سی و پنجم: در آیین و رسم شاعری                 |
| ۱۵۸ | باب سی و ششم: در آیین و رسم خنیاگری                |
| ۱۶۲ | باب سی و هفتم: در خدمت کردن پادشاه                 |
| ۱۶۶ | باب سی و هشتم: در آداب ندیمی پادشاه                |
| ۱۶۹ | باب سی و نهم: در آداب و آیین دبیری و شرط کاتب      |
| ۱۷۶ | باب چهارم: در آیین و شرط وزارت                     |
| ۱۸۱ | باب چهل و یکم: در آیین و شرط سپهسالاری             |
| ۱۸۴ | باب چهل و دوم: در آیین و شرط پادشاهی               |
| ۱۹۳ | باب چهل و سیم: در آیین دهقانی و هر پیشه‌ای که دانی |
| ۱۹۵ | باب چهل و چهارم: در آیین جوانمردپیشگی              |
| ۲۱۱ | واژه‌های دشوار                                     |

بسم الله الرحمن الرحيم

## الحمد لله رب العالمين والصلوة على رسوله محمد وآله اجمعين

چنین گوید جمع‌کننده این کتاب پندها الامیر غنصرالمعالی کیکاوس بن اسکندربن قابوس بن وشمگیر مولی امیرالمؤمنین، با فرزند خویش گیلانشاه. بدان ای پسر که من پیر شدم و ضعیفی و بی نیروی و بی توشی بر من چیره شده و منشورِ عزلِ زندگانی را از موی خویش بر روی خویش کتابتی همی بینم که این کتابت را دست چاره‌جویان بستردن نتواند. پس ای پسر چون من نامِ خویش را در دایره گذشتگان یافتم روی چنان دیدم که پیش از آنکه نامه عزل به من رسد نامه‌ای دیگر در نگویش روزگار و سازش کار و بیش بهرگی جستن از نیک نامی یاد کنم و تو را از آن بهره کنم بر موجب مهر خویش، تا پیش از آنکه دست زمانه تو را نرم کند تو خود به چشم عقل در سخن من نگری فزونی یابی و نیک‌نامی در دو جهان، و مبادا که دل تو از کار بستن بازماند که آنگه از من شرط پدری آمده باشد؛ اگر تو از گفتار من بهره نیکی نجویی جویندگانِ دیگر باشند که شنودن و کار بستنِ نیکی غنیمت دارند و اگر چه سرشتِ روزگار بر آن است که هیچ پسر پند پدرِ خویش را کار بند نباشد، چه

آتش در دلِ جوانان است از روی غفلت پنداشتِ خویش ایشان را بر آن نهد که دانشِ خویش برتر از دانشِ پیران بینند، و اگرچه این سخن مرا معلوم بود مهرِ پدری و دل‌سوزگیِ پدران مرا نگذاشت که خاموش باشم؛ پس آنچه از موجبِ طبعِ خویش یافتم در هر بابی سخنی چند جمع کردم و آنچه بایسته‌تر بود و مختصرتر درین نامه نبشتم. اگر از تو کار بستن خیزد خود پسندیده آمد و الا من آنچه شرطِ پدری بود بجای آورده باشم که گفته‌اند که: بر گوینده جز گفتار نیست چون شنونده خریدار نیست جای آزار نیست.

و بدان ای پسر که سرشتِ مردم چنان آمد که تکاپوی کند تا از دنیا آنچه نصیب او آمده باشد به گرامی تر کس خویش بماند و نصیبِ من از این سخن گفتن آمده و گرامی تر کس بر من نویسد. چون سازِ رحیل کردم آنچه نصیبِ من بود پیش تو فرستادم تا خود کامه نباشی و بر همیز دنی از ناشایست و چنان زندگانی کنی که سزای تخمه پاک توست که تو را ای پسر تخمه بزرگ و شریف است و ز هر دو طرف کریم الطرفینی و پیوسته ملوکِ جهانی: جذبت ملکِ شمس المعالی قابوس بن وشمگیر بود که نبیره آغش و هادان بود و آغش و هادان ملکِ گیلان به روزگار کمیخسرو، و ابوالمؤید بلخی ذکر او در شاه‌نامه آورده است و ملکِ گیلان از ایشان به جَدّان تو یادگار بماند و جدّه تو، مادرم، دختر ملک‌زاده المرزبان بن رستم بن شروین بود که مصنفِ مرزبان نامه است سیزدهم پدرش قابوس بن قباد بود، برادر ملک انوشروان عادل، و مادر تو فرزند ملکِ غازی محمود بن ناصرالدین بود و جدّه من فرزند ملک پیروزان ملک دیلمان بود. پس ای پسر هشیار باش و قدر و قیمتِ نژاد خود بشناس و ز کم بودگان مباش؛ هر چند من نشان خوبی و روزبهی اندر تو همی بینم این گفتار بر شرطِ تکرر واجب دیدم.

آگاه باش ای پسر که روزرفتن من نزدیک است و آمدن تو بر اثر من زود باشد چه امروز تا در این سرای سپنجی باید که بر کار باشی و زادی و پرورشی را که سرای

جاودان را شاید برداری و سرای جاودانی برتر از سرای سپنجی است و زاد او از این سرای باید جست که این جهان چون کشت زار است که از اوکاری و از او دزوی از بد و نیک؛ و کس دروده خویش در کشت زار نخورد بلکه در آبادانی خورَد و آبادانی این سرای سرای باقیست. و نیک مردان در این سرای همت شیران دارند و بد مردان همت سگان و سگ همانجا که نخجیر گیرد بخورد و شیر چون بگیرد به جای دیگر خورد. و نخجیرگاه تو این سرای سپنجی است و نخجیر تو دانش و نیکی است. پس نخجیر ایدر کن تا وقت خوردن به سرای باقی آسان توانی خوردن که طریقی سزای ما بندگان طاعتِ خداست عزوجل. و مانند آن کس که راهِ خدای تعالی جوید و طاعتِ خدای تعالی جوید چون آتشی بود که هر چند سرنگونش کنی برتری و فزونی جوید، و مانند آن کس که راهِ خدای تعالی و طاعتِ او دور باشد چون آبی بود که هر چند بالاش دهی فروتری و نگرانی جوید؛ پس بر خویشتن واجب دان شناختنِ راهِ ایزد تعالی. والله ولی التوفیق. و این کتاب را چهل و چهار باب نهاده آمد:

باب اول در شناختن ایزد تعالی و تقدس

باب دوم در آفرینش پیغمبران علیه السلام

باب سوم اندر سپاس داشتن از خداوند نعمت

باب چهارم اندر فزونی طاعت از راه توانستن

باب پنجم اندر شناختن حق پدر و مادر

باب ششم اندر فروتنی و افزونی گهر و هنر

باب هفتم اندر پیشی جستن در سخن دانی و دانش

باب هشتم اندر یاد کردن پندهای انوشروان عادل

باب نهم اندر ترتیب پیری و جوانی

باب دهم اندر خویشتن داری و ترتیب خوردن

باب یازدهم اندر شراب خوردن و شرط آن

- باب دوازدهم اندر مهمانی کردن و مهمان شدن
- باب سیزدهم اندر مزاح و نرد و شطرنج و شرایط آن
- باب چهاردهم اندر عشق ورزیدن و رسم آن
- باب پانزدهم اندر تمتع کردن و ترتیب آن
- باب شانزدهم اندر آیین گرمابه رفتن و شرایط آن
- باب هجدهم اندر خفتن و آسودن و رسم آن
- باب هجدهم اندر نخجیر کردن و رسم آن
- باب نوزدهم اندر جرکان زدن و شرایط آن
- باب بیستم اندر آیین حرب و کارزار کردن
- باب بیست و یکم اندر جمع کردن مال و خواسته
- باب بیست و دوم اندر امانت نگامداشتن
- باب بیست و سیم اندر برده خریدن و شرایط آن
- باب بیست و چهارم اندر خانه و عمارت خریدن
- باب بیست و پنجم اندر اسب و چهار پای خریدن
- باب بیست و ششم اندر زن خواستن و شرایط آن
- باب بیست و هفتم اندر فرزند پروردن و آیین آن
- باب بیست و هشتم اندر دوست گزیدن و رسم آن
- باب بیست و نهم اندر اندیشه کردن از دشمن
- باب سیام اندر عقوبت کردن و عفو کردن
- باب سی و یکم اندر طالب علمی و فقیهی و مدرسی
- باب سی و دوم اندر تجارت کردن و شرایط آن
- باب سی و سیوم اندر ترتیب سیاحت علم طب
- باب سی و چهارم اندر علم نجوم و هندسه

- باب سی و پنجم اندر رسم شاعری و آیین آن  
باب سی و ششم اندر آداب خنیاگری  
باب سی و هفتم اندر آداب خدمت کردن پادشاهان  
باب سی و هشتم اندر آداب ندیمی کردن  
باب سی و نهم اندر آیین کاتب و شرایط کاتبی  
باب چهارم اندر شرایط وزیری پادشاه  
باب چهل و یکم اندر رسم سپاهسالاری  
باب چهل و دوم اندر آیین و شرط پادشاهی  
باب چهل و سیوم اندر آیین و رسم دهقانی و هرپیشه‌گانی  
باب چهل و چهارم اندر آیین جوانمردی